

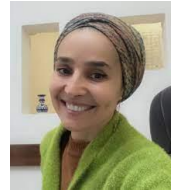
<https://pecritique.com/>

نقد اقتصاد سیاسی
آذرماه ۱۴۰۲

اشغال گری و وگنیسم باهم ناسازگارند

گفت‌وگو با احلام طرایره

ترجمه‌ی کانال تلگرامی «ما حیوانات»



این مصاحبه توسط گروه آلمانی «اتحاد برای مارکسیسم و آزادی حیوانات» انجام شده است.

کار سیاسی برای حیوانات در شرایط رژیم اشغالگر اسرائیل در فلسطین چگونه است - آیا واقعاً ممکن است؟ به دلایل خوبی، سرکوب مردم فلسطین یک مسئله‌ی مهم است، به‌ویژه برای چپگرایان انترناسیونالیست و ضدامپریالیست. باین‌حال، اطلاعات زیادی در مورد وضعیت حیوانات و مبارزه برای منافع آن‌ها در فلسطین وجود ندارد. به همین دلیل است که با احلام طرایره از تیم نجات حیوانات فلسطین بلدی که در کرانه‌ی باختری فعال است صحبت کردیم. در مصاحبه‌ی زیر، او در مورد نجات و مراقبت از حیوانات خیابانی در کرانه‌ی باختری و غزه صحبت می‌کند، یعنی چگونگی کار برای اهداف مترقی در شرایط اشغال و «وگن‌شویی» سیاست اسرائیل. همچنین، او توضیح می‌دهد که چرا مبارزه با رژیم اشغالگر باید برای جنبش حقوق حیوانات و آزادی حیوانات مورد توجه باشد - همان‌طور که حمله‌ی اخیر ارتش اسرائیل یک‌بار دیگر نشان داد.

احلام طرایره در رام‌الله زندگی می‌کند و یکی از اعضای مؤسس بلدی است. او همچنین مدیر عامل MUSAWA - مرکز فلسطینی برای استقلال نظام قضایی و حرفه‌ی حقوقی است.

احلام! در ابتدا قصد داشتیم مصاحبه‌ای در مورد کنشگری حقوق حیوانات و اشغال نظامی در فلسطین انجام دهیم. باین‌حال، با توجه به آخرین رویدادها، اجازه دهید با بحث در مورد وضعیت غزه و تجاوزات اخیر اسرائیل شروع کنیم. در این مرحله - اواسط نوامبر - حدود ۱۲۰۰۰ نفر به‌ویژه در شمال غزه کشته و بخش‌های زیادی از زیرساخت‌ها در اثر بمباران اسرائیل ویران شده است. هزاران نفر به جنوب غزه آواره شده‌اند و وضعیت انسانی همچنان روبه‌وخامت است. در حال حاضر، پیش‌بینی چگونگی پیشرفت کلی وضعیت از نظر نظامی، سیاسی و بشردوستانه غیرممکن به نظر می‌رسد. چند هفته‌ی گذشته را

چگونه تجربه کرده‌اید؟

من نیز مثل بقیه در فلسطین حال خوبی نداشته‌ام. به نظر می‌رسد این دنیا برای افراد آسیب‌پذیر تیره‌تر می‌شود. بیشتر اوقات احساس می‌کنم که امیدمان را از دست داده‌ایم. عذابِ عدم اشتراک آنچه مردم ما در غزه، چه انسانی و چه غیرانسانی، تحمل می‌کنند، درحالی‌که ارتباط آن‌ها با جهان قطع شده است، طاقت‌فرسا بوده است. من از دسترسی به برق، آب آشامیدنی، سقف بالای سرم و توانایی تهیه‌ی آسان نان از مغازه‌ی مجاور در کرانه‌ی باختری شرم دارم - امتیازات اساسی که مردم غزه از ۷ اکتبر از آن محروم شده‌اند. همچنین از اینکه وحشت بمباران‌ها را تجربه نمی‌کنم شرمندهم. عذاب همدستی دولت‌های غربی در این نسل‌کشی طاقت‌فرساست. همچنین خشم شدید نسبت به آن‌ها که اجازه می‌دهند بمباران بیمارستان‌ها، همه به نام دفاع از خود، اتفاق بیفتد، درحالی‌که در واقع دفاع از اشغال و پاکسازی قومی است. این آسیب روانی برای همیشه با ما خواهد ماند.

تجاوزات به غزه محدود نمی‌شود: به‌طور فزاینده‌ای، حملاتی در کرانه‌ی باختری توسط ارتش اسرائیل و شهرک‌نشینان راست مسلح انجام می‌شود. اوضاع آنجا چگونه است؟

می‌توانم داستان خودم را به‌عنوان یک فلسطینی از کرانه‌ی باختری تعریف کنم تا آنچه را که در اینجا اتفاق می‌افتد روشن سازم. من برای یک شب در اردن بودم و قرار بود در ۷ اکتبر به خانه برگردم، صبح روزی که جنگجویان فلسطینی حمله‌ی خود را به پایگاه‌های شبه‌نظامیان اسرائیلی از باریکه‌ی غزه آغاز کردند. زمانی که اسرائیل مرزها را مسدود کرده بود، هشت شب در اردن سرگردان بودم. هر روز تلاشی ناموفق می‌کردم به خانه برگردم تا اینکه موفق به عبور از مرزها شدم، اما این بدان معنا بود که باید شب را در خیابان در شرایط بدی مانند هزاران فلسطینی بگذرانم. با وجود اعلام گمراه‌کننده مبنی بر باز بودن مرزها در طول روز، اسرائیل در آن هفته هر روز اجازه‌ی ورود به ۱۰۰۰ فلسطینی را از طریق مرزهای اردن داد. این وضعیت دردناک و به‌شدت ناامیدکننده بود، و آسیب ریشه‌دار نسلی که هرگز قادر به بازگشت به خانه نشد،

ضایعه‌ای بر سلامت روانی من بود. بازگشت به خانه در نهایت مانند یک معجزه بود، به طوری که من از گیر افتادن در یک ایست بازرسی اسرائیل به مدت دو ساعت شکایت نکردم، زیرا قبل از آن ۱۸ ساعت فقط برای عبور از مرزها طول کشیده بود. کرانه‌ی باختری در حال حاضر دستخوش شکل متفاوتی از آشفتگی است. شبانه‌روز حملات اسرائیل به شهرها و شهرک‌های فلسطینی، دستگیری‌های دسته‌جمعی، بمباران‌ها در جنین و تولکرم، کشتار فراقانونی، و حملات شهرک‌نشینان انجام می‌شود که منجر به تخلیه‌ی مناطق در جنوب الخلیل شده است. این حوادث همچنین باعث شده بسیاری از کشاورزان در سراسر کرانه‌ی باختری نتوانند زیتون خود را برداشت کنند و باعث افزایش قابل توجه قیمت روغن زیتون شده است. علاوه بر این، بسته شدن و محاصره‌ی مداوم ورودی‌های شهر از ۷ اکتبر ادامه داشته است که همچنان بر منطقه تأثیر می‌گذارد.

به نظر شما به‌طور کلی اوضاع چگونه پیش خواهد رفت؟ و هدف از رویکرد اسرائیل چیست؟

هدف اسرائیل پاکسازی قومی است. این امری بسیار واضح است و می‌توان به‌وضوح از طریق سیاست‌ها و اقدامات استعماری اشغالگران در طول ۷۶ سال گذشته مشاهده کرد. هیچ‌کس نمی‌داند اوضاع چگونه پیش خواهد رفت. بسیاری از مردم در حال از دست دادن شغل و معیشت خود هستند و بلا تکلیفی تنها چیزی است که اکنون قطعی است. آنچه ما می‌خواهیم این است که تجاوز به غزه پایان یابد، محاصره‌ی طولانی‌مدت نیز به‌طور کامل پایان یابد، و آوارگان دوباره به خانه‌های خود بازگردند. زمستان شروع شده است و ما مردم آواره‌ی غزه را می‌بینیم که از خدا می‌خواهند باران را متوقف کند زیرا آن‌ها به معنای واقعی کلمه در هوای آزاد زندگی می‌کنند. من در این امید شریک هستم که کسانی که مرتکب جنایات جنگی و فجایع علیه مردم من شدند پاسخگو و محاکمه شوند.

نه تنها انسان‌ها از اشغال رنج می‌برند، بلکه حیوانات نیز - که شما به منافع

آنها نیز متعهد هستید درگیر چنین شرایطی هستند: از جمله، شما در سال ۲۰۲۰ تیم نجات حیوانات فلسطین بلدی را تأسیس کرده‌اید. چگونه می‌توان یک کنشگر حقوق حیوانات در فلسطین شد؟

خب، فکر می‌کنم مثل جاهای دیگر! شما دائماً لحظات شفقت و همبستگی با حیوانات را تجربه می‌کنید و در مقطعی تصمیم می‌گیرید که از این انگیزه‌ها پیروی کرده و اقدام کنید. پدر و مادر من دامداران کوچکی بودند که ابتدا گوسفند پرورش می‌دادند و بعداً یک مزرعه‌ی کوچک مرغ را اداره می‌کردند. من همیشه در آنجا کمک می‌کردم و خودم شاهد بودم که وقتی مزرعه‌داران کوچک تحت فشار اقتصادی هستند و باید رقابتی باشند، برای حیوانات چه معنایی دارد. این برای من عادی بود، اما همیشه این حس وجود داشت که پرورش حیوانات برای فروش و کشتار کاری اشتباه است. بعدها، توانستم برای تحصیل به انگلستان بروم و با قطعات مرغ بسته‌بندی‌شده‌ی صنعتی آشنا شدم، درحالی‌که منع زیادی در مورد خوردن گوشت مرغ داشتم. اما یک تجربه‌ی صورت‌ساز وجود داشت: والدین من برای مدت طولانی چند گوسفند داشتند و مسن‌ترین قوچ رهبر آنها بود و نامی هم داشت. در مقطعی رفتار پرخاشگرانه‌ای پیدا کرد و پدرم را آزار داد، بنابراین تصمیم گرفت فروش او دیگر حلال نباشد. پس او را ذبح کرد. باربیکیویی ترتیب داد و من به‌عنوان بزرگترین فرزند خانواده مجبور شدم اولین نفری باشم که گوشت را بخورم. اما نمی‌توانستم آن را گاز بزنم و فکر خوردن قوچی که مدت‌ها با او زندگی می‌کردم، تقریباً باعث شد که آن را بالا بیاورم. این آخرین باری بود که گوشت قرمز خوردم. من مدت‌ها بعد از آن زمان وگن شدم، اما از آن حادثه به بعد دیگر نمی‌توانستم گوشت گوسفند بخورم زیرا همه‌ی گوسفندان مرا به یاد قوچ خانواده‌ام می‌انداختند. این واقعیت که من هنوز وگن نبودم بیشتر به دلایل اجتماعی برمی‌گشت - نمی‌خواستم دوستان و خانواده‌ام را ناراحت کنم. بااین‌حال، از آن موقع شروع به آگاهی بیشتر در مورد وگنیسم و رفاه حیوانات کرده بودم. در مقطعی، من در نهایت درگیر کار نجات حیوانات شدم. در این مدت، تصمیم گرفتم وگن شوم و فعالانه از حقوق حیوانات دفاع کنم.

شما همچنین در سال ۲۰۲۰ انجمن وگن در فلسطین (ViP) را تأسیس

کردید. کار آن چگونه به نظر می‌رسد، چه کار می‌کنید؟

وگن در فلسطین انجمنی است که پروژه‌ی نجات بلدی در آن فعالیت می‌کند. هدف ما با ViP ارتقای آگاهی از وگنیسم است که پاسخی شفقت‌ورزانه و مسئولانه به نگرانی‌های اخلاقی در مورد حیوانات، محیط‌زیست و سلامتی است. ما رویدادهایی را برای معرفی دستوره‌های وگن غذاهای سنتی و محبوب ترتیب می‌دهیم. قابل ذکر است، ما اولین لبنه‌ی وگن، و پنیر خامه‌ای سنتی را در فلسطین راه‌اندازی کردیم که به هیچ‌وجه کمتر از همتای لبنی خود نیست. علاوه بر این، هدف ما این است که عمل کشتار حیوانات را به‌طور کلی و در مناسبت‌های مذهبی به چالش بکشیم و آن را به‌عنوان یک هنجار یا عمل منسوخ در نظر بگیریم که می‌تواند با رویکردهای شفقت‌ورزانه‌تر و همبستگی‌محور جایگزین شود.

بلدی در درجه‌ی اول با حیوانات در خیابان کار می‌کند: همان‌طور که می‌نویسید «خدمات پذیرش سرپرستی، بازدیدهای یارانه‌ای دامپزشکی برای حیوانات خیابانی و آموزش مردم در مورد حقوق حیوانات و اقدامات ایمنی‌بخشی در فلسطین» را ترتیب می‌دهید. در شهرهای فلسطین، سگ‌های زیادی به‌ویژه در خیابان‌ها زندگی می‌کنند که اغلب در شرایط بسیار بدی هستند. چرا تمرکز کار شما این است؟

زیرا در اینجا عملاً این دغدغه‌ی اصلی است. در دنیای غرب، جنبش حقوق حیوانات و آزادی حیوانات می‌تواند بر حیواناتی که برای صنعت پرورش داده می‌شوند و کشته می‌شوند تمرکز کند، زیرا صنعت گوشت بازیگر اصلی است. برای مثال، برای سگ‌ها و گربه‌هایی که در خیابان‌ها زندگی می‌کنند، حداقل قوانین رفاه حیوانات وجود دارد که خوردن یا بدرفتاری با آن‌ها را ممنوع می‌کند. در فلسطین، مانند سایر نقاط جهان، وضعیت متفاوت است. علاوه بر صنعت حیوانی، یک مشکل بزرگ عمده‌تاً مربوط به بدرفتاری با سگ‌ها و گربه‌ها است. وضعیت گربه‌ها و به‌خصوص سگ‌ها در خیابان بسیار بد است. از نظر قانونی، تقریباً هیچ حمایتی از حیوانات خیابانی وجود ندارد. بدرفتاری

با آن‌ها فقط به روشی بسیار غیرمشخص مجازات می‌شود و بدرفتاری با یک حیوان فقط با جریمه‌ی پنج دینار اردن معادل ۷ دلار آمریکا مجازات می‌شود- تازه اگر کسی اصلاً بدرفتاری را گزارش کند. بنابراین، به‌طور کلی، به‌ندرت برای حیوانات خیابانی شفقتی وجود دارد. این توسط عوامل فرهنگی و مذهبی تقویت می‌شود، زیرا سگ‌ها به‌طور خاص در فرهنگ عرب حیوانات ناپاک محسوب می‌شوند. علاوه‌بر این، این باور عمومی وجود دارد که مشکل ادعایی سگ‌های خیابانی را می‌توان با تیراندازی یا کشتن به روش‌های دیگر «حل» کرد. متأسفانه این امر توسط تقریباً همه‌ی مقامات از جمله تشکیلات خودگردان فلسطین تبلیغ شده و هنوز هم می‌شود.

به نظر می‌رسد هدف شما ایجاد آگاهی برای حیوانات بی‌خانمان است.

دقیقاً. از منظر جنبش حقوق حیوانات، نمی‌توان مستقیماً روی صنعت گوشت تمرکز کرد و موضوع حیوانات خیابانی را نادیده گرفت. علاوه‌بر این، وضعیت آن‌ها فرصت‌های بیشتری را برای افزایش آگاهی در مورد مسائل حیوانات در زندگی روزمره فراهم می‌کند: برای مثال، بسیاری از مردم اینجا معتقدند که شرایط حیوانات پرورشی در مزرعه خوب است و به‌نوعی «طبیعی» تر است. ما روشن می‌کنیم که این درست نیست و با حیوانات مانند ابزار رفتار می‌شود. نحوه‌ی نگهداری و کشتار آن‌ها نیز از منظر دینی آنقدرها حلال نیست که بسیاری دوست دارند باور کنند. بنابراین ما سعی می‌کنیم شفقت و آگاهی ایجاد کنیم که حیوانات هم موجودات همراه ما هستند. از این رو نام ما: «بلدی» را می‌توان «بومی» ترجمه کرد و توجه را به ارتباط بین طبیعت، انسان و حیوانات جلب می‌کند. بنابراین، برای ما، کمک به حیوانات خیابانی کلیدی است که در وهله‌ی اول موضوع حیوانات را در اینجا به یک مسئله تبدیل کنیم.

بدون صحبت از ستمگری ناشی از اشغال اسرائیل، نمی‌توان در مورد کار با حیوانات در فلسطین صحبت کرد. همه‌جا حاضر است و هیچ جنبه‌ای از زندگی روزمره وجود ندارد که به‌نحوی از نظر سیاسی، تاریخی یا مادی تحت تأثیر آن نباشد. رژیم اشغالگر چه تأثیری بر وضعیت حیوانات و کار شما در

کرانه‌ی باختری دارد؟

تا آنجا که به حیوانات مربوط می‌شود، اشغال نظامی منجر به مثلاً کمبود کلی منابع برای کار روزانه با حیوانات خیابانی می‌شود. این موضوع شخصاً بر ما تأثیر می‌گذارد، اما برای مثال، دامپزشکان اینجا در کرانه‌ی باختری را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. با توجه به بازرسی‌ها و به دلیل ممنوعیت واردات برخی داروها، برای مثال با کمبود داروهای مصرفی دامپزشکان، یا مواد و آرام‌بخش‌هایی که برای جمع‌آوری و درمان حیوانات وحشت‌زده‌ی خیابانی نیاز داریم، روبرو هستیم. کمبود دانش، مواد، زیرساخت و مکان وجود دارد. بسیاری از کسانی که فرصت انجام این کار را دارند، حیوانات خود را برای درمان به اسرائیل می‌فرستند زیرا امکانات درمانی در آنجا پیشرفته‌تر است.

آیا حتی تحت این شرایط کار حقوق حیوانات «واقعی» امکان‌پذیر است؟

نه، به چند دلیل اینطور نیست. اجازه دهید با یک مثال کوچک تاریخی شروع کنم: مدتی پیش، یکی از دوستان گزیده‌ای از کتابی را برای من فرستاد که مستندی از یک سازمان فلسطینی است که قبلاً در دهه‌ی ۱۹۲۰ در یافا تأسیس شده بود، که بسیار قدیمی است. این سازمان کارزاری برای اهداف حیوانات ترتیب داد- چیزی که در شرایط فعلی غیرممکن به نظر می‌رسد. اگر این را با وضعیت امروز مقایسه کنید، می‌بینید که تراژدی استعمار فلسطین در اینجا چه تغییری ایجاد کرده است: این موضوع و سایر مسائل مترقی را به‌شدت به عقب انداخته و کارزار برای آن‌ها را تا امروز دشوار کرده است- این امر درست به‌اندازه‌ی سایر نگرانی‌ها مزبوط به مسائل مترقی در مورد اهداف حیوانی نیز صدق می‌کند.

براین اساس، بسیاری از مردم اکنون احتمالاً می‌گویند: ابتدا باید با اشغال کنار بیایید، بقیه چیزها بعداً طرح خواهند شد.

بله، اما من با این موضوع موافق نیستم. از یک سو، اشغال از طریق محدودیت‌های سیاسی و عینی، تأثیر منفی بر همه‌ی موارد نگرانی مترقی و رهایی‌بخش- مانند مورد

ما- دارد. از سوی دیگر، از نظر سیاسی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، زیرا به موضوع اصلی تبدیل می‌شود که در مواجهه با آن بسیاری از مردم فکر می‌کنند باید سایر نگرانی‌های سیاسی را در آخر لیست قرار دهند: آن وقت می‌گویند تا زمانی که اشغال وجود دارد نمی‌توانید به عدالت جنسیتی بپردازید، تا زمانی که اشغال وجود دارد نمی‌توانید به سرمایه‌داری بپردازید، نمی‌توانید در مورد نگرانی‌های LGBTIQ یا دیگر نگرانی‌های مترقی بدون پایان اشغال صحبت کنید. من با آن موافق نیستم. با این حال، این وضعیت به این معناست که ما با وظیفه‌ی ترکیب نگرانی‌های مترقی با مبارزه برای پایان دادن به اشغال در هر دو جنبه روبرو هستیم. اما من معتقدم که در نظر گرفتن اهداف مترقی به‌عنوان اولویت کمتر و به تعویق انداختن آن‌ها رویکرد اشتباهی است.

شما گفتید که بسیاری از مردم حیوانات خود را به اسرائیل می‌برند زیرا مراقبت در آنجا بهتر است. اما بلدی به‌عنوان یک موضع اصولی با سازمان‌های غیر دولتی اسرائیلی کار نمی‌کند. چرا اینطور است؟

زیرا می‌خواهیم وابستگی‌ها و بی‌تقارنی را کاهش دهیم. به نظر ما، بهترین کاری که سازمان‌های حمایت از حیوانات و حقوق حیوانات در اسرائیل می‌توانند انجام دهند، با توجه به شرایطی که توضیح دادم، اتخاذ موضع سیاسی علیه اشغالگری به‌منظور بهبود وضعیت سازمان‌های فلسطینی است. آن‌ها باید سهم خود را انجام دهند تا اطمینان حاصل شود که سازمان‌هایی مانند ما در نهایت کمتر به حمایت اسرائیل وابسته باشند و یا از آن مستقل شوند. بنابراین این سیاست در مورد خود-توانمندسازی و قابلیت سازمان‌های فلسطینی برای عمل مستقل است. با این حال، من هرگز کسی را که به‌دنبال ارتباط با سازمان‌ها و NGOهای اسرائیلی است تا بهترین کار را برای حیوانات خود انجام دهد، محکوم نمی‌کنم. این کاملاً قابل درک است و وضعیت کمبود در اینجا مکرراً برای همه‌ی ما دوراهی ایجاد می‌کند.

وضعیت در غزه چگونه است؟ در حال حاضر، پیش‌بینی چگونگی پیشرفت همه‌چیز دشوار است. با این حال، حتی قبل از تشدید شرایط اخیر و بمباران

غزه توسط اسرائیل، وضعیت تأمین بشردوستانه به دلیل محاصره و ممانعت‌ها از قبل فاجعه‌آمیز بود. وضعیت برای حیوانات چگونه است؟

به‌عنوان بخشی از کارم برای پروژه‌های با مشارکت یک سازمان وابسته به ملل متحد، من خوش‌شانس بوده‌ام که تاکنون چهار بار مجوز ورود به غزه را دریافت کرده‌ام و خودم توانسته‌ام آن را ببینم. به‌طور کلی، وضعیت حیوانات، از جمله حیوانات خیابانی، در غزه بسیار بد است. این عمدتاً به دلیل محاصره است. این امر مانند کمبود دارو و مواد برای درمان، به این معناست که حیوانات بیشتری، به‌عنوان مثال الاغ‌ها، توسط مردم به‌عنوان حیوانات کار استفاده می‌شوند- و تحمل وضعیتی که مجبور بودم شاهدش باشم گاهی اوقات واقعاً سخت بود. برخی از حیوانات در شرایط بسیار بحرانی هستند، اما این عملاً به‌عنوان مشکل در نظر گرفته نمی‌شود زیرا فقط زندگی روزمره در آنجاست و شرایط جاری اغلب اجازه‌ی هیچ چیز دیگری را نمی‌دهد. به‌عنوان مثال، من الاغی را دیدم که شدیداً گرسنه بود و تغذیه‌ی ضعیفی داشت، اما در عین حال انبوهی از کالا بر او بار شده بود. مواردی از این دست به این دلیل اتفاق می‌افتد که بسیاری از مردم به بنزین دسترسی ندارند- واردات توسط اسرائیل به شدت محدود شده است- یا قادر به پرداخت هزینه‌ی آن نیستند و همچنین برق برای بسیاری از مردم به‌طور منظم قطع می‌شود. به‌طور کلی، به‌ندرت یک طبقه‌ی متوسط معمولی در غزه وجود دارد- برخی هستند که بسیار ثروتمند هستند، اما اکثریت مطلق بسیار فقیر هستند. در نتیجه بسیاری از مردم به دلیل کمبود منابع نمی‌توانند به‌درستی از حیوانات مراقبت کنند و از آن‌ها به‌عنوان حیوانات کار استفاده می‌کنند.

اما من همچنین با [Sulala](#) در غزه آشنا شدم - تنها سازمانی در غزه، تا آنجا که من می‌دانم، که با حیوانات کار می‌کند. و اگرچه وضعیت غزه به‌طور کلی فاجعه‌بار است، کار سولالا حتی از آنچه ما در کرانه‌ی باختری انجام می‌دهیم پیشرفته‌تر و جامع‌تر است. در بلدی، ما بر روی ضعیف‌ترین حیوانات و آسیب‌دیده‌ها تمرکز می‌کنیم. از سوی دیگر، سولالا رویکرد نجات واقعی همه‌ی حیوانات نیازمند را بدون استثنا در پیش گرفته است، حتی اگر منابع آن‌ها واقعاً بسیار محدود باشد. اگر کسی تماس بگیرد و وضعیت اضطراری را گزارش کند، که برخی انجام می‌دهند، می‌آیند و تمام تلاش خود

را می‌کنند. من واقعاً تحت تأثیر قرار گرفتم که چگونه آن‌ها در شرایط محاصره با حیوانات کار می‌کنند، حتی اگر تیم عمدتاً از مراقبان آموزش‌دیده‌ی حیوانات تشکیل نشده باشد. آن‌ها حتی توانستند اداره‌ی محلی در جامعه‌ی خود را متقاعد کنند که سیاست مسموم کردن و تیراندازی به حیوانات خیابانی را متوقف کند، و از طرف اداره یک قطعه زمین برای نگهداری و مراقبت از حیوانات نجات‌یافته - سگ، گربه، و همچنین الاغ به آن‌ها داده شد. در جریان آخرین حملات نظامی اسرائیل، سولالا مجبور شد سرزمین خود را ترک کند و متأسفانه در حال حاضر هیچ تماسی با این تیم نداریم. یکی از کارکنان سولالا در اولین روز تجاوز در بمباران اسرائیل کشته شد.



تجاوز مستمر اسرائیل به غزه تلفات خود را بر همه‌ی موجودات زنده اعم از حیوانات خیابانی، مزرعه و کار وارد کرده است. به‌جرات می‌توان گفت که تمام مناطق غزه، از جمله مناطق مسکونی، که در آن برخی از مردم با حیوانات خود زندگی می‌کردند، بمباران شدند. اکنون که عرضی سوخت به غزه با شروع تجاوزات قطع شده است، حیوانات کار مانند الاغ، قاطر و اسب به‌طور فزاینده‌ای برای انتقال خانواده‌های آواره یا آوردن مجروحان به بیمارستان‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. گاری‌های کشیده شده توسط حیوانات اکنون به‌عنوان وسایل نقلیه‌ی مردگان نیز تغییر کاربری داده می‌شوند.

در مجاورت بیمارستان الشفا، با نزدیک شدن تانک‌های اسرائیلی و تیراندازی و بمباران شدید، یک پزشک گزارش داد که سگ‌ها و گربه‌های خیابانی به‌همراه هزاران فلسطینی محاصره‌شده به بیمارستان پناه بردند. تعداد زیادی از افراد آواره مشاهده شدند که حیوانات همراه خود را با خود آورده بودند، اما به احتمال زیاد بسیاری از افراد دیگر مجبور شدند حیوانات خود را در طول تخلیه رها کنند.



دولت اسرائیل سخت کار می‌کند تا اسرائیل را به‌عنوان یک «بهشت وگن» معرفی کند تا تصویری را به‌عنوان یک کشور «پیشرو» و به‌ویژه بردبار ایجاد کند- رویه‌ای که از آن به‌عنوان «[وگن‌شویی](#)» نیز یاد می‌شود، مشابه «صورتی‌شویی». به‌عنوان مثال، رسماً تبلیغ می‌شود که ارتش اسرائیل «وگن‌ترین ارتش جهان» است و برای نمونه، سربازان می‌توانند به کفش‌هایی از چرم وگن مجهز شوند.

بله، این البته یک اقدام تبلیغاتی برای جلب همدلی جنبش وگن و عموماً افراد لیبرال و مترقی است. به همین دلیل، دولت اسرائیل با اینفلوئنسرهای وگن نیز همکاری می‌کند. در پایان، نامگذاری به‌عنوان «بهشت وگن» در واقع تنها به این دلیل است که تل‌آویو تعداد زیادی گزینه‌ی غذاخوری وگن دارد. البته این خوب است، اما از این منظر، کرانه‌ی باختری نیز یک بهشت وگن است- هرچه باشد، فلافل را می‌توانید در هر گوشه‌ی خیابان اینجا پیدا کنید، این فقط یک غذای معمولی خیابانی است!

با این حال، اگر وگنیسم را نه فقط به عنوان یک رژیم غذایی یا سبک زندگی، بلکه به عنوان پیامد یک سیاست همبستگی که در جهت لغو استثمار و سرکوب همه‌ی موجودات زنده است بفهمید، در این صورت اساساً با سیاست‌های سرکوب دولتی در تضاد است. کاملاً مضحک است که از سیاستی حمایت کنیم که در آن مردم از یک طرف تحت سرکوب و مرتباً با خونسردی در معرض گلوله قرار می‌گیرند و در عین حال این نگرانی مطرح باشد که آیا سربازان غذای وگن دریافت می‌کنند یا پوتین‌هایی با چرم وگن می‌پوشند. سیاست اشغالگری و وگنیسم ناسازگار هستند.

بنابراین ما باید آگاهی از این واقعیت را افزایش دهیم که اسرائیل در حال استفاده از سبک زندگی غیر سیاسی وگنیسم بسیاری از مردم است. بر خلاف تبلیغات «وگن‌شویی»، مقدار زیادی گوشت و شیر نیز در اسرائیل مصرف می‌شود، صنعت گوشت بسیار قوی است و نمونه‌ی کار ما نیز نشان می‌دهد که حیوانات نیز از اشغال رنج می‌برند. اما البته کافی نیست که یک کنشگر وگن و حقوق حیوانات باشیم و فقط برای منافع حیوانات در فلسطین مبارزه کنیم: هر کسی که واقعاً در مورد مبارزه با رنج و سرکوب جدی است، باید از مردم تحت ستم فلسطین نیز دفاع کند.

نمی‌دانم که وگن‌های غیرسیاسی اکنون در مورد سربازان وگن اسرائیلی که در تجاوز کنونی فلسطینیان، انسان‌ها و حیوانات غیرانسانی را به طور یکسان بمباران می‌کنند، چه فکر می‌کنند. من واقعاً تعجب می‌کنم که چگونه حتی ممکن است یک انسان خود را وگن بنامد و در عین حال بی‌رویه موجودات درمانده و بی‌گناه را بکشد، و منظور من از موجودات هم انسان و هم حیوان است. من پستی از یک وگن اسرائیلی دیدم که در مورد کمبود وعده‌های غذایی وگن برای سربازان خود در غزه بسیار نگران بود. ما می‌دانیم که آن‌ها به فلسطینی‌ها اهمیتی نمی‌دهند و به هر طریق ممکن با انگ غیرانسان به ما، قتل ما را توجیه می‌کنند، اما دیدن اینکه آن‌ها با چه اراده‌ای تبلیغات وگن‌شویی خود را حفظ می‌کنند در حالی که در واقع هر روز حیوانات را در تجاوزات خود به غزه می‌کشند، آزاردهنده است.

به صنعت گوشت اسرائیل اشاره کردید. به عنوان مثال از نشریات

سازمان‌های اتحادیه‌های کارگری یا سازمان بین‌المللی کار، مشخص است که کارگران فلسطینی در اقتصاد اسرائیل گاهی به شکل آشکار و بی‌شرمانه مورد استثمار قرار می‌گیرند، زیرا آن‌ها به دلیل داشتن مجوزهای اقامت ناامن، وضعیت بسیار متزلزل و بی‌ثباتی دارند، و مجبورند دستمزدهای کمتری را بپذیرند و نیز فرصت‌های ضعیف‌تری برای نمایندگی منافع خود دارند. آیا اطلاع دارید که این اتفاق در صنعت گوشت اسرائیل نیز می‌افتد؟

متأسفانه اطلاعی ندارم. تا آنجا که من می‌دانم، اطلاعات زیادی در مورد صنعت گوشت اسرائیل وجود ندارد و هیچ پژوهش بازجویانه در مورد آن توسط کنشگران حقوق حیوانات اسرائیلی انجام نشده است. باین حال، می‌توانم آنچه را که شما در مورد وضعیت کارگران فلسطینی توصیف می‌کنید تأیید کنم. اگر مجوز کار برای شرکت‌های اسرائیلی می‌خواهید، معمولاً برای دریافت آن باید پول زیادی به واسطه‌ها بپردازید و البته تعداد کمی از افراد این مجوز را دارند. بنابراین بسیاری به صورت غیرقانونی در آنجا هستند تا کار کنند، و باید با اشکال شدید استثمار کنار بیایند: آن‌ها کمتر از حداقل دستمزد اسرائیل دریافت می‌کنند، باید کارهای سخت انجام دهند و ساعات کار طولانی‌تری را بپذیرند و همچنین دائماً در معرض باج‌گیری هستند زیرا کارفرمایان می‌توانند آن‌ها را تهدید به افشای وضعیتشان کنند که منجر به جریمه یا حتی زندان و ممنوعیت ورود به اسرائیل برای چندین سال می‌شود. این سیستم همچنین گروه‌های متعددی را در میان مزدبگیران فلسطینی ایجاد می‌کند که موقعیت آن‌ها در اقتصاد فلسطین با یکدیگر متفاوت است. اما همان‌طور که گفتم، فقط می‌توانم در مورد صنعت گوشت اسرائیل حدس بزنم. متأسفانه این موضوع در اسرائیل نیز وجود دارد که بخش‌های زیادی از جنبش حقوق حیوانات منحصراً به اهداف حیوانات اختصاص دارد و بین کارگران این صنعت و کارفرمایان آن‌ها تفاوتی قائل نمی‌شود - به همین دلیل است که وضعیت و منافع کارگران استثمارشده در نظر گرفته نشده است.

جدا از کمک و حمایت مالی، بهترین راه برای حمایت از کار شما چیست؟

از جنبش بین‌المللی حقوق حیوانات چه انتظاری دارید؟

البته حمایت مالی کمک کننده است. فراتر از آن، به‌ویژه هنگامی که مردم توجهشان را به کار ما جلب می‌کنند، به ما کمک می‌کند. فکر می‌کنم هرچه بیشتر شبکه‌ای و شناخته‌شده‌تر باشیم، بیشتر می‌توانیم حرکت کنیم و به دست آوریم. ما تیم کوچکی هستیم و درحال حاضر هنوز درحال ساختن کار خود هستیم. هرچه موقعیت بهتری داشته باشیم، افراد بیشتری را می‌توانیم به صورت محلی با خود همراه کنیم. ما همچنین خواهان آنیم که کار خود را با حیوانات به‌عنوان کمک به آزادی فلسطین تقویت کنیم. ما از جنبش حقوق حیوانات انتظار داریم که ذهن خود را روی این موضوع نبندند، بلکه مبارزه با اشغالگری اسرائیل و برای آزادی فلسطین را چیزی بدانند که به آن‌ها مربوط می‌شود و باید از آن حمایت کنند. نمی‌توان برای آزادی انسان و حیوان ایستادگی و در برابر استعمار فلسطین سکوت کرد.

منبع:

<https://mutb.org/pages/zirkular04-baladi-engl/>